

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: فولویو بلترامی  
برگردان: میرفخرائی  
۱۸ سپتمبر ۲۰۲۳

## دروغ لامپدوسا و نژادپرستی اروپا



**مقدمه مترجم:** از چند روز پیش اخبار و گزارش ها در مورد «هجوم» پناهجویان به ایتالیا بالا گرفته هدف از این پروپاگاندای سراپا ساختگی تصویب قوانین ضد بشری برای جلوگیری از ورود پناهجویانی است که از نتایج سیاست های خانه خراب کن غرب و حاکمان افریقائی وابسته مجبور به ترک زادگاهشان می شوند. غرب و نژادپرستان دولت ایتالیا از این فرصت برای ارسال تصویب قوانینی برای ارسال نیروی بحری اروپا برای بازگرداندن پناهجویان و سخت تر کردن قوانین مهاجرتی برای اخراج فوری بی پناهان کمال استفاده را خواهند برد.

\*\*\*\*\*

مهاجرت کاذب (ما در مورد ۰.۲۱ درصد جمعیت صحبت می کنیم) و نژادپرستی واقعی سیاستمداران و رسانه های ما جورجیا ملونی و ماتئو سالوینی واقعاً از چه هجومی صحبت می کنند؟ در حال حاضر، مهاجرتی که در سال ۲۰۲۳ به ایتالیا می رسند، ۰.۲۱ درصد از کل جمعیت ایتالیا را تشکیل می دهند: فقط ۱۲۵ هزار نفر در برابر بیش از ۵۸ میلیون نفر. در کشوری که دائماً در آن نق می زنند که با کاهش جمعیت روبه رو است... این رقم کافی است تا نشان دهد که روایت گمراه کننده ای که امروزه رسانه های ما و به ویژه مناظره سیاسی را پر می کند واقعاً چه چیزی را نوید می دهد. برای همه اینها یک کلمه وجود دارد: نژادپرستی.

“اگر برنامه های خبری ایتالیائی می خواهند میزهای گردی در مورد تونس برگزار کنند، بد نیست که روزنامه نگاران تونس مقیم ایتالیا را نیز دعوت کنند. دو سؤالی که من با توجه به غیبت این کارشناسان از خودم می پرسم.” اینها

تأملات لیلا بلحاج محمد، روزنامه نگار آزاد و پادکست نویس حقوق دیجیتال در سازمان غیرانتفاعی پرایوسی نتورک، در مورد بحثی است که موج اخیر مهاجران در لامپدوسا ایجاد کرده است کجا منعکس می شود؟

لیلا به یک حقیقت ناراحت کننده و سانسور شده اشاره می کند. در رسانه های ایتالیایی دائماً در مورد مهاجرت صحبت می شود، اما روزنامه نگاران، سیاستمداران و فعالان حقوق بشر افریقائی صدایشان شنیده نمی شود. چه رسد به مهاجران. حتی بحثی که توسط ورود انبوه مهاجران اقتصادی و پناهندگان به لامپدوسا ایجاد شد، توسط یک کمپین انتخاباتی پست و کثیف و یک درگیری سیاسی بین دولت راستگرا و حزب PD (حزب دموکراتیک) مثلاً «چپ» البته خنده حضار! کنترل می شد. طرف اول اروپا را متهم می کند که علیه ایتالیا توطئه می کند زیرا سهمیه های اروپائی برای پذیرش مهاجران را رعایت نمی کند. دومی به دولت اتهام می زند که با دیکتاتورهای افریقائی (با اشاره به رئیس جمهور تونس قیس سعید) موافقت نامه امضاء کرده و در مدیریت مهاجرت شکست خورده است.

این اتهامی بسیار ریاکارانه است، زیرا دولت های همین حزب دموکراتیک به رهبری انریکو لئا، ماتئو رنتسی و پائولو جنتیلونی، توافقات خدعه آمیزی با دولت فاسد در طرابلس و دیکتاتور سودانی عمر البشیر را برای مهار جریان های مهاجرت امضاء کردند. توافقاتی که بازی دوگانه طرابلس و خرطوم را نادیده گرفتند که از یک سو پول ایتالیایی و اروپائی را برای مهار جریان های مهاجرت دریافت می کردند و از سوی دیگر خود آنها قاچاقچیان را سازماندهی می کردند و از آن سود می بردند.

وقتی ورود مهاجران «غیرقانونی» بیش از حد آشکار شد و ایتالیایی ها شکایت کردند، «دولت» در طرابلس صدها مهاجر را در اردوگاه هائی (که به طور طعنه آمیز اردوگاه های نگهداری نامیده می شوند) که توسط ژاناس همکاری بین المللی ایتالیا (AICS) تأمین مالی می شد، زندانی کرد، در حالی که دیکتاتور سودانی به روش های عملی تری متوسل شد. او مردان، زنان و کودکان را در ناکجآبادی در مرز بیابانی بین سودان و لیبیا کشت، پس از آن که البته از قربانیان بابت «عبور امن» رشوه گرفت.

قاچاق انسان از سودان به لیبیا و کشتارهای منظم توسط یکی از وفاداران البشیر سازماندهی شد: سرلشکر محمد حمدان دوگولو، معروف به حمیدی، که رهبری شبه نظامی RSF (نیروهای حمایت سریع) را بر عهده داشت. این جنایتکار در سال ۲۰۱۷ (توسط دولت جنتیلونی) به عنوان چهره کلیدی در سیاست مهار جریان های مهاجرت شناسائی شد. شبه نظامیان او آموزش نظامی و تسلیحات از ایتالیا دریافت کردند که آنها را قوی تر و مجهز تر از ارتش منظم سودان کرد. این کمک نظامی همزمان با حمایت روسیه از نیروهای حمایت سریع سودان و جنرال حمیدی صورت گرفت. بنابراین جای تعجب نیست که جنرال حمیدی (که اکنون معاون رئیس جمهور شورای نظامی است) به لطف این حمایت، شش ماه پیش تصمیم گرفت تا برای به دست گرفتن قدرت مطلق، یک جنگ داخلی را آغاز کند.

روزنامه نگاران و فعالان حقوق بشر لیبیائی و سودانی از این سیاست مهاجرت احمقانه ایتالیا آگاه بودند و آن را بشدت محکوم می کردند. با این حال، آنها در رسانه های ایتالیائی جائی نداشتند. هیچ روزنامه نگار لیبیائی یا سودانی که به بررسی حمایت ایتالیا از دیکتاتورهای افریقائی و پیامدهای غم انگیز آن برای هزاران نفر پرداخته بود، فرصتی برای انتشار مقاله ای محکوم کننده در روزنامه های ایتالیائی پیدا نکرد، چه برسد به این که به یکی از برنامه های تلویزیونی متعدد بحث و مناظره در مورد مهاجرت دعوت شود.

در روزنامه ها و تلویزیون های ایتالیائی، این موضوع توسط هموطنان ما انحصاراً مورد بحث قرار می گیرد که تنها مجاز به صحبت در مورد مهاجرت از افریقا هستند، اغلب بدون این که علت آن را بدانند یا تحت تأثیر شرم آور ایدئولوژی های افراطی باشند که از باز بودن درها برای همه تا محاصره بحری متغیر است. حتی در گزارش ها از

اردوگاه‌های بازداشت یا در اخبار جنائی در مورد مهاجران، افریقائی‌ها نامرئی هستند. هیچ کس با آنها مصاحبه نمی‌کند. هیچ کس به فکر آنچه فکر می‌کنند نیست. و با این حال در مورد آنها صحبت می‌شود. (این وضعیت در تقریباً تمامی کشورهای غربی مشابه است آنها فقط با خارجی‌ها و مهاجرانی مصاحبه می‌کنند که در سیستم امپریالیستی و نژاد پرستانه آشکار و پنهان اروپا و امریکا حل شده‌اند و به نان و نوائی رسیده‌اند و یا در حزبی و پستی مشغول خدمت به صاحب هستند و یا به عنوان فعال حقوق بشری و زنان، دادخواه، کمیته پناهندگان و ... تکه استخوانی جلویشان می‌اندازند تا سر بزنگاه با انتقادات آبی از دولت‌های غربی سر آخر از آنها بابت «انساندوستی» تشکر کنند و خواستار تحریم بیشتر مردمشان شوند - مترجم)

با وجود این که پدیده مهاجرت افریقائی در کشور ما نزدیک به ۲۰ سال است که واقعتی است، تنها ۲ درصد اخبار رسانه‌های ایتالیائی به افریقا اختصاص دارد، همانطور که یک مطالعه توسط رصدخانه پاپویا در سال ۲۰۱۹ نشان داد. حتی اگر افریقا به ندرت ذکر شود، همیشه و منحصرأ ایتالیائی‌ها هستند که در مورد آن صحبت می‌کنند و از منابع غربی، سازمان ملل متحد، سازمان‌های غیردولتی غربی و سازمان‌های بشردوستانه ملل متحد نقل قول می‌کنند. هیچ رسانه، هیچ فعال حقوق بشر، هیچ سیاستمدار، هیچ پناهنده‌ای از افریقا مورد مصاحبه یا نقل قول قرار نمی‌گیرد.

حتی در کانال‌های موضوعی که به افریقا می‌پردازند (متأسفانه تعداد آنها بسیار کم است)، افریقائی‌ها عملاً حضور ندارند. همیشه روزنامه‌نگاران و «کارشناسان» ایتالیائی یا غربی هستند که افریقا را به ما توضیح می‌دهند. یک استثنا مجله آنلاین Focus On Africa است که به روزنامه‌نگاران افریقائی بسیار ماهر مانند عمر بای، عمر عبدالله، سلیمان احمد حامد، سامی غوربال، عبدالمنعم حیمت، شکور سعید، ژان لئونارد توادی و اسماء دشعان فرصت می‌دهد. یک مثال از یک عمل اطلاع‌رسانی خوب که باید از آن پیروی کرد، اما به عکس و متأسفانه تنها «استثناء» باقی می‌ماند.

این که اجازه ابراز بیان به افریقائی‌ها داده نمی‌شود، ریشه‌های عمیقی در مفهوم نژادپرستانه اروپامحور دارد که با استعمار متولد شد و هرگز از قلب و ذهن ما نگذشت. حتی اگر مردم بخواهند برای افریقا صحبت کنند، با یک تفکر غربی کاملاً ناکافی و غیرواقعی صحبت می‌کنند. نتیجه اطلاعات سمی است که بر اساس دو تفکر افراطی استوار است: اولی صراحتاً نژادپرستانه است و دومی فقط اسطوره «افریقائی خوب» را تبلیغ می‌کند.

اطلاعاتی که این دو رویکرد تولید می‌کنند کاملاً گمراه‌کننده است، زیرا بر اساس ارزش‌های غربی است که همیشه توسط جمعیت افریقائی به اشتراک گذاشته نمی‌شوند. ما بر «ارزش‌های اروپائی» تکیه می‌کنیم که در دیدگاه افریقائی‌ها ریاکارانه هستند و به همین دلیل رد می‌شوند. آنها می‌بینند که دفاع از حقوق بشر توسط ما سفیدپوستان بر اساس فرصت‌های سیاسی انجام می‌شود. ما بر یک کشور افریقائی تمرکز می‌کنیم و آن را به جنایات علیه بشریت متهم می‌کنیم، در حالی که درباره کشور افریقائی دیگر که همان جنایات را مرتکب می‌شود، اما با غرب متحد است، کاملاً سکوت می‌کنیم.

یکی دیگر از جنبه‌های روایت سمی درباره افریقا این است که علل خارجی را برای مشکلات، درگیری‌ها و تصمیمات اقتصادی و سیاسی دولت‌های افریقائی شناسائی می‌کند. ما عادت کرده‌ایم که مقصران یک بحران یا وضعیت خاص را در شرکت‌های چند ملیتی غربی، فرانسه، روسیه یا چین جست و جو کنیم، بدون این که متوجه شویم که این فیلتر روایتی بسیار نژادپرستانه است، زیرا بازیگران افریقائی را در درجه سوم قرار می‌دهد. همراه با انکار علل داخلی بحران در کشورهای افریقائی.

در نهایت، روایتی که اکثر رسانه‌های ایتالیائی درباره افریقا ارائه می‌دهند، سیاسی است و بر نبرد بین غرب (خوب‌های معروف) و روسیه و چین (بدها) متمرکز است. گرایش سیاسی که بناچار اشتباهات و جنایات ما را پنهان می‌کند. به

عنوان مثال، در حالی که سایر رسانه‌های اروپایی جنگ حمله ناتو به لیبیا را برجسته می‌کنند و آن را یکی از علل فاجعه عظیم سیل‌های اخیر در این کشور می‌دانند، رسانه‌های ایتالیایی از یک «فاجعه» به دلیل «تغییر آب و هوا» صحبت می‌کنند و این واقعیت را پنهان می‌کنند که فاجعه ناشی از عدم رسیدگی به دو سدی بود که در برابر باران‌های شدید مقاومت نکردند. عدم رسیدگی به سدها ناشی از فروپاشی کشور لیبیا به دلیل عملیات نظامی ناتو و راه اندازی جنگ در سال ۲۰۱۱ است که منجر به سرنگونی و قتل قذافی رهبر لیبیا شد که این کشور را از پیشرفته‌ترین و مرفه‌ترین کشور آفریقا به بدبخت‌ترین‌ها تبدیل کرد.

همانطور که همکار من لیلا بلحاج محمد بدرستی اشاره می‌کند، لازم است اطلاعات ایتالیایی درباره مهاجران و آفریقا را سمزدائی کنیم و به آنچه فعال حقوق بشر داویده توماچین با آگاهی کامل از واقعیت‌ها تعریف می‌کند، دقت کنیم: «استراتژی سالون‌های تلویزیونی»، که خوب روغن کاری شده و کارآمد هستند سعی دارند به بهترین چهره‌های تلویزیونی فرصت دهند و ستاره‌های نوظهور را راه اندازی کنند، «پادشاهان آزاد بیان تا صدای واقعی را که می‌خواهد حقیقت را به زبان بیاورد و تنوع نظرات را نشان دهد»، خفه کنند: نظر قربانیان واقعی یعنی آفریقائی‌ها.